

رفیق طاهره سید احمدی



رفیق طاهره در سال 1336 در خانواده ای زحمت کش متولد شد. در رشته بهیاری به تحصیل پرداخت. با خلق و خوئی که داشت، خیلی زود با مردم جوش می خورد. رابطه نزدیکش با توده زحمت کش او را با مصائب زندگی آنان و علل این بدبختی ها، به خوبی آشنا کرده بود، از همین رو در جریان قیام شکوهمند خلق دوشادوش مردم علیه رژیم شاه مبارزه کرد و بی آن که به روحانیت، توهمی داشته باشد، در صفوف چپ به مبارزه خود ادامه داد.

ابتدا با سازمان " رزمندگان" به فعالیت تشکیلاتی پرداخت و پس از آن به " راه کارگر" پیوست تا علیه رژیم خمینی مبارزه اش را مؤثرتر ادامه دهد.

عشق و علاقه او به مردم تهی دست و زحمت کش و حرفه ای که داشت، او را یاری کرد که در محله "زورآباد" کرج با همکاری تنی چند از همکارانش به ایجاد یک مرکز بهداشتی - رایگان مبادرت ورزد. خصوصیات مردمی و شور و شوق و انرژی انقلابی طاهره باعث ایجاد ارتباطات وسیع او با توده های زحمت کش زور آباد گردید.

رفیق طاهره (با نام تشکیلاتی مریم) علاوه بر تبلیغ و ترویج ایده های سوسیالیستی در میان زحمت کشان و افشاء مداوم ارتجاع و سرمایه داری در امور تشکیلاتی عهده دار بخش قابل توجهی از کارها بود. او عضو " تدارکات مرکزی شهرستان ها" بود که هر هفته می بایست ده ها قرار اجرا کند و نشریات و اسناد متعددی را به رفقای شهرستان ها برساند. او در انجام این وظیفه حساس و مهم نیز بسیار منضبط و مسئول بود.

کارهای متعددی که زندگی انقلابیون حرفه ای ایجاب می کند، همواره او را شاداب تر و پر انرژی تر می ساخت و از آنجا که دارای انگیزه های اصیل انقلابی بود، به هنگام هجوم بی سابقه رژیم به سازمان های انقلابی (که یاران نیم راه، متزلزل و

چون شدند) او همچنان به خوبی به وظایفش عمل می کرد و متقبل مسئولیت های باز هم بیشتر و خطرناک تر شد. او تا آخرین شماره نشریه " راه کارگر" دوره اول در تدارکات مرکزی به کار پرداخت. در همین دوره با رفیق نورالدین ریاحی آشنا شد. خصوصیات مشترک انقلابی و فعالیت مبارزاتی مشترک، پایه عشقی شد که به زندگی مشترک این دو انقلابی زنده یاد منجر گردید. اما دیری نپایید که هر دو رفیق همزمان به دام دشمن افتادند و به زیر وحشیانه ترین شکنجه ها کشیده شدند. مقاومت جانانه و استواری این دو کمونیست، مایه افتخار همه کمونیست های میهن ماست.

رفیق طاهره در روز ششم اردیبهشت 62 و رفیق نورالدین ریاحی 9 ماه بعد به جوخه اعدام سپرده شدند.

همان طور که از وصیت نامه رفیق طاهره پیداست، او هنگام رفتن به مقابل جوخه تیرباران گمان کرده است که رفیق نوری قبلاً اعدام شده است.

وصیت نامه رفیق :

طاهره سید احمدی، فرزند محمود، متولد 1336، شماره شناسنامه 27 خانواده عزیز و دوست داشتنی ام، با سلام گرم و با نثار عشق و علاقه فراوان. پدر عزیز و مادر گرامی ام، از صمیم قلب و با تمام وجودم دوستتان دارم و همیشه و در هر لحظه به فکر شما بودم و همیشه در نظرم بود که با تحمل چه رنج ها و مشقاتی ما را بزرگ کردید. پدر عزیزم هیچ وقت دست همیشه سوخته و تاول زده ات و مادر عزیزم هیچ وقت رنگ پریده و چهره خسته ات را فراموش نمی کنم. عزیزان من، من و نوری زندگی شیرین و پرثمری را با هم شروع کرده بودیم. اما افسوس که سرنوشت فرصت بیشتر با هم بودن را به ما نداد ... با صبر و شکیبائی به مسئله برخورد کنید. البته می دانم برای شما مشکل است و خیلی اذیت می شوید. اما درست است که زندگی خیلی شیرین و دوست داشتنی است، اما موقعیت هائی پیش می آید که دیگر ...

به تمام خواهران و برادر عزیزم سلام مرا برسانید و به آنها بگوئید که خیلی دوستشان دارم و بگوئید که در تمام لحظات زندگی ... به خانواده گرامی و دوست داشتنی نوری هم سلام مرا برسانید و به آنها بگوئید خیلی زیاد به همه شان علاقه دارم و از صمیم قلب برای تمام اعضای خانواده شان آرزوی سلامت، سعادت و خوش بختی دارم و همیشه به یاد ما باشند و هیچ وقت فراموش نکنند که من و نوری با عشق فراوانی که به هم داشتیم، همیشه به فکرشان بودیم. انگشترم را تقدیم خانواده شوهرم می کنم و حلقه ازدواجم را تقدیم خانواده عزیزم می کنم و دوست دارم از آنها خوب نگه داری کنید. چون برای ما خیلی عزیز بودند. به تمام اعضای خانواده و فامیل و دوستان و آشنایان سلام مرا برسانید و امیدوارم در این شرایط که برای شما کمی مشکل است، ... در این لحظه (بعد از ظهر سه شنبه 62/2/6) که این وصیت نامه را برای شما می نویسم، نوری عزیز دو شب پیش از میان ما رفت، ولی یادش هیچ وقت فراموشم نشد و امیدوارم که شما هم هیچ وقت ما را فراموش نکنید و همیشه ما را در کنار خود احساس کنید، همان طور که ما همیشه در کنارتان هستیم. روی همگی شما را می بوسم و برای همه شما آرزوی سعادت و خوش بختی دارم.

با عشق و علاقه فراوان

طاهره و به یاد نوری عزیزم

امضاء 62/2/6